روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

چهارشنبه ۲ آذر ۱۴۰۱_ ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۴۴_ ۲۳ نوامبر ۲۰۲۲- شماره ۲۰۶۸ _ سال هفتم

۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۷۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیاز , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: فضل‌الله یاری

چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

نشانی: تهران- میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی- کوچه مهر- پلاک ۶- طبقه اول- واحد۳

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۵ _ ۰۲۱۶۶۹۸۱۲۷۱

یادداشت

از دیگری تا دیو و دَد

آرش رازانی

روزنامه‌نگار

در هر جامعه انسانی، طیف‌های مختلفی از افراد با آرا و عقاید و افکار و باورهای گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند. تفاوت‌های سبک زندگی و هنجارها نیز در نتیجه گوناگونی اولیه از بدیهیات زندگی انسان‌هاست. تمام این تفاوت‌ها، در قالب سازوکارهای عرفی و قانونی زندگی اجتماعی گرد هم آمده و هم افزایی توان اجتماعی در نتیجه آن پدید می‌آیند. این، شرایط یک جامعه نرمطبیعی است. اما در شرایط بحرانی، قضیه صورت دیگری می‌یابد.

وقتی بحران بر جامعه‌ای حاکم می‌شود، سازوکارهای معمول اجتماعی براثر عامل بحران‌زای داخلی/خارجی از کارکرد مناسب خود خارج می‌شوند. در این شرایط، مرزهای بین افراد یا گروه‌ها، بسته به این‌که در چه قسمتی از بحران قرار گرفته‌اند شروع به پر رنگ شدن می‌کنند.«ما» از ضمیر جمع مورد استفاده برای کل جامعه به گروه مشخصی از افراد با اشتراکات بیشتر تغییر ماهیت یافته و «آن‌ها» مرجع ضمیر خود را نه در برون جامعه، که درون آن می یابد. با ادامه بحران،این افتراق بیشتر و بیشتر می‌شود. در این شرایط، اگر سازوکارهای مقابله با بحران به درستی عمل نکرده و دمای التهاب در جامعه رو به تزاید گذارد، این افتراق به دشمنی تبدیل می‌شود.«ما»ی هر گروه، «آن‌ها» را خصم‌پنداری کرده و شروع به اعلام برائت از آن و تمامی اشتراکات موجود می‌کند. در این شرایط، نقش رسانه‌های مختلف اعم از رسانه رسمی، فراگیر و شبکه‌های اجتماعی در حاد شدن وضعیت تعیین کننده است.شرایطی که این روزها در کشور شاهد آن هستیم و به ویژه آنچه پس از اولین مسابقه تیم ملی فوتبال در جام جهانی مشاهده شد، شرایط حاد و منحصربه فردی است. رسانه‌های فعال با کژکارکردی ناشی از سیاست‌گذاری غلط، چنان تصویر نادرستی به مخاطبان خود مخابره کرده‌اند که عملا هر گروه جامعه، گروه مقابل را نه تنها به عنوان هم وطن، بلکه حتی تحت نام انسان قبول نداشته و او را طرد کرده از وی برائت می‌جوید.این وضعیت، عواقب بسیار خطرناک‌تری از تشویق تیم فوتبال کشور بیگانه در خیابان‌های شهر دارد. خشونت افسارگسیخته، استفاده از تمامی امکانات برای حذف «دیگری» که حالا به مدد تصویرسازی رسانه‌ای به «دیو و دَد» بدل شده است و تهدید تمامی افرادی که در میانه ایستاده‌اند، نوید بروز شرایط خطرناکی در آینده نزدیک را می‌دهد. خشونتی که بر یکدیگر روا می‌داریم، نفرتی که تنها با نابودی طرف مقابل سیراب می‌شود، حرکت به جهتی که تنها چشم‌انداز آن وجود «ما» و محو «آن‌ها»ست، فقط و فقط به انهدام اجتماعی مجموعه انسانی کشور منجر خواهد شد. این وضعیت، برای هیچ صاحب خِردی پذیرفتنی نیست. آنچه هر کدام از ما به سهم خُود در این معرکه می‌توانیم انجام دهیم، پافشاری و برجسته کردن اشتراکاتی است که همه ما را به عنوان افراد یک آب و خاک و اعضای یک فرهنگ به یکدیگر پیوند می‌دهد. این که به هم یادآوری کنیم که «هم‌وطن» ولو خطاکار، «زامبی» نیست و هدف هیچ یک از ما نبایست حذف و محو دیگری باشد؛ زیرا در پایان این راه نه «ما» و نه «آن‌ها» هیچ یک بر جا نخواهیم ماند. این که از یک مجموعه خصم یکدیگر، در نهایت چیزی برجا نخواهد ماند جز زمین سوخته و خانه ویران. اینکه سقف اگر ویران شد، برسر همه آوار می‌شود. البته که تکلیف رواداری و تحمل بر آنکه قدرت بیشتری دارد، بیشتر است. اما این را بدانیم که هر کدام از ما برای امحای تصویر نادرست «دیو و دَد» در محیط و اطرافیان‌مان مسئول هستیم و این نه تنها یک مسئولیت اخلاقی، که مسئولیت مدنی و مسئولیت اجتماعی است و برای بقای جامعه و آب وخاکی که بدان تعلق داریم، ضروری. «چو ایران مباشد تن من مباد» فقط برای جنگیدن برابر دشمن نیست. گاهی لازم است با ذهنیت نادرست خود و دیگران پنجه در پنجه بیافکنیم تا این وطن دوباره وطن شود.

حافظه تاریخی

رضا شالبافان و سه دفتر شعر «تاریخ تغزل باستان»، «عیلام بعد از حمله آشور بانی‌پال» و «پنجمین روز سال، ساعت بیست»

سینه سرخی که بیست سالش بود

فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

پوران فرخزاد در «درنگی کوتاه»یی که بر دفتر «تاریخ تغزل باستان»درباره‌شعرهای‌رضاشالبافان می‌نویسد:«تا یک شعر راستین...از صمیمیت یک انسان برمی‌خیزد، پروانه‌وار بر ذهن می‌نشیند و با آدمی به روز و ماه و سال و سال‌ها همراه می‌شود و به ماندگاری می‌رسد...رضا شالبافان در این دفتر نه تنها از قربانیان نزدیک به زمانه ما به شوری توان‌سوز می‌سراید که عشق خود را به زادگاهش ایران نیز می‌نمایاند و به سوزی غم‌آلود زخم‌های نهفته در ذهن شرقی‌ها به ویژه ایرانیان را دوباره تازه می‌کند...» شالبافان در این سه دفتر از اسطوره‌هایی اساطیری مثل، کاوه آهنگر رنج کشیده و مقاوم، از سیاوش بی‌گناه، از تهمتن که نماد و نمایه‌ی شرف ملی ایران زمین است، سخن می‌گوید و افسانه‌های ملل دیگر را از بلوچستان، از جنوب اروند، از البرز کوه و دماوند به بارگاه کوروش و بابل می‌رود و اسطوره‌های ایرانسان‌ها را بازآفرینی و بازنمایی می‌کند و به حمام فین کاشان می‌آید و از امیرکبیر هم یک اسطوره می‌سازد و این اسطوره‌ها را امروزی می‌کند. شعر رضا شالبافان، شعری شورانگیز، بغض‌آلود و عشق‌بار است که با واژه‌های رسمی و روزمره به زیبایی ترصیع یافته‌اند و لبریز از صورخیال است که با زبانی نو عرضه می‌شود. زبان و بیان شالبافان به تقریب محتوای غیرضرور و حشوآمیز ندارد و در عین حال که گاهی از زبان عوام و گاهی ژورنالیستی استفاده می‌کند، با یک تعهد زبانی منجر به تعهد تاریخی و اجتماعی و سیاسی آمیخته می‌شود. شالبافان می‌داند چه کلمه‌ای در محور جانشینی و هم‌نشینی بر می‌گزیند که هم زبان افت نکند و هم محتوای اشعارش به شعرهای گزارشی- عاطفی «نسیم شمال» نزدیک نشود.

چند نمونه از این نحوه زبان و بیان و رسانه را ببینیم: «یا مرگ یا نسیم...نباید فرار کرد/ماییم و کوچه خاکی جفت کلانتری...»، «من عاشق تمام‌قد چشم‌های تو/ من را کشانده‌اند به یک جنگ زرگری/ بر باد می‌دهی سر زلف بلوند خود/ از گوشه‌ی حصار شب سرد روسری»، «من هشت قرن پیش این جا گریه کردم/مسعود سعدم در حصار تنگ زندان/ یک متر در یک متر جای کوچکی نیست/محدوده‌ی یک کشور پر کهکشان است...»، «چشم‌هایت بغض هفده نسل ماست/ بانوی شب‌گریه‌های ناتمام/چشم تو فصل‌الختام عاشقی ست/ بیت بعدی هم ندارد... والسلام»، «بی پدر! چند نفر کشته‌ی چشمت باشند/ چند عزت به جفای تو زمین‌گیر شود/ تیر هستی به درک! عشق قرارش این بود؟/ما بمیریم که تو تیر معظم بشوی؟»، «امیر تو رسما کم آورده است/ امیر کبیر و امیر صغیر/ امیری که از بغض تب کرده است.../ در این شهر مشروب‌مان بغض بود/ و با زور سرنیزه خندان شدیم/ملیجک‌ترین بغض تاریخ را به پشت نقاب تو پنهان شدیم...»، «من فکر می‌کنم که خداوند لاشریک/در روز آفرینش این چرخ واژگون/ آن قدر مست بوده که خورشید را درست/ از روی چشم‌های سیاهت کشیده است»، «وقتی قرار نیست بیایی به خانه‌ام/ای گه به گور جد همین ساعت دقیق.../ آخر چه طور این همه بانوان شهر/ چشمی شبیه چشم تو دارند بی‌شرف!؟»، «چشم چپ یک قصیدهی جاری ست/ بغض من، مثل زخم تو کاری ست/ سینه سرخی که بیست سالش بود/ باز آماج تیر تاتاری ست ...» این شعرها به مرور از حالت گزارشی و رتوریک به سوی عاطفه پوئتیکی و تجسمی هنری می‌روند و در یک زبان عامیانه و رسمی آغشته می‌شوند و طنز می‌گیرند و لبالب از تصاویر تازه می‌شوند. یک زبان گویای ادبی و پشتوانه فرهنگی پیش از زبان شالبافان هست که او می‌خواهد زبان گویای آن زبان ابدی شود، از رودکی تا حافظ و تا حسین منزوی، که شالبافان می‌خواهد همه زبان فارسی را ملک طلق خود به شمار آورد. درد شالبافان دستاورد و محصول روابط ساختی مفردات و عناصر شعری و روابط خاص واژگان است. این تصویرها به خصوص در دفتر سوم «پنجمین روز سال، ساعت بیست» یک ساخت درونی می‌پذیرند. این ساخت و بافت درونی نرسیدن به معشوق و شوق رسیدن و دست‌یابی و عدم امکان وصال است. شالبافان با یک فرم کهن کار می‌کند بعد آن فرم را دچار چالش می‌کند و در قالب و محتوا ساختارگریزی می‌کند و از قالب‌های جریان مرکبی از قطعه، غزل، مثنوی، ترجیع‌بند و حتا شعر نیمایی حرکت می‌کند و این تنوع را هم‌راستای ذهن و زبان خود پیش می‌برد. در این سه دفتر خواننده با قالبی یک سان و یک سویه مواجه نمی‌شود. این تنوعات در قالب و شکل و بیان و زبان، موجب شکل‌گیری انواع روایات می‌شود. شالبافان سعی می‌کند که تاریخ و وقایع را درونی کند «توی»های فردی شاعر در هم می‌لولند و یکی می‌شوند و گسترش می‌یابند و اجتماعی می‌شوند. او هستی‌اش را میدان کشمکش شور زندگی و سایقه مرگ می‌کند تا بینش واقعی خود را در چنین میدانی عرضه کند تا دنیا را بهتر نظاره کند. ادبیات شالبافان بیان‌گر درون انسان، روح معنوی انسان در طول قرون است. او می‌خواهد شعرش را به «ادبیت ادبیات» نزدیک کند. ادبیات او به زبان برمی‌گردد، به زبانی که گاهی محاوره و زبان عواطف عاشقانه می‌شود و گاهی زبان روایت حتا یک موضوع عادی و معمولی می‌شود، ولی وقتی شاعر از حوزه شعر که کلمات است استفاده می‌کند و کلمات را از بافت زبان می‌گیرد، آن را در حوزه ادبیت ادبیات خلاصه می‌کند. مطلب آخر این است که در شعر، حس تپنده حرف اول را می‌زند و سایر ویژگی‌ها مثل تخیل و اندیشه و آهنگ و ریتم در مرحله بعدی قرار میگیرد، این سخن را رضا شالبافان می‌فهمد. شعری که از عاطفه، کم‌بهره و بی‌بهره باشد در تاریخ ادبیات نمی‌ماند.

ما جام جهانی

وضعیت علیرضا بیرانوند برای ادامه رقابت‌های جام جهانی مشخص شد

دروازه‌بان شماره یک تیم ملی فوتبال ایران به دلیل مصدومیت از ناحیه بینی دیدار برابر ولز را از دست داد و حضورش در بازی با آمریکا هم مشخص نیست. دیدار تیم‌های ملی فوتبال ایران و انگلیس در شرایطی آغاز شد که علیرضا بیرانوند از ابتدا در ترکیب تیم ملی حضور داشت تا به تنها دروازه‌بان تاریخ فوتبال ایران تبدیل شود که در دوره جام جهانی درون دروازه ایستاده است. با این حال او در دقایق ابتدایی بازی و پس از برخورد سر به سر با مجید حسینی دچار شکستگی بینی شد و از زمین بیرون رفت تا بدون گل خورده زمین را ترک کند و در ادامه سیدحسین حسینی درون دروازه ایستاد و شش گل دریافت کرد. به دنبال این مصدومیت علیرضا بیرانوند به بیمارستان منتقل شد و بیش از چهار ساعت تحت مداوا و بررسی شرایط توسط پزشکان قرار گرفت. در حالی که برخی عنوان کرده‌اند که بیرانوند ادامه رقابت‌های جام جهانی را از دست داده است اما هنوز وضعیت نهایی او برای دیدار با آمریکا مشخص نیست. بنابر خبرهای پخش شده بیرانوند قطعا بازی را ولز را از دست خواهد داد اما برای بازی با آمریکا هنوز شانس دارد و پزشکان باید وضعیت او را بررسی کنند. درد ناحیه بینی او کاملا قطع شده اما باید تست‌های لازم برای ضربه‌های احتمالی روی او صورت بگیرد تا مشخص شود می‌تواند روز هشتم آذر برابر آمریکا به میدان برود یا نه. هنوز به طور قطع مشخص نیست او به دیدار با آمریکا خواهد رسید یا این دیدار را هم از دست خواهد داد. بررسی‌های چند روز آینده تکلیف را به طور قطع مشخص خواهد کرد.

نخستین شگفتی جام رقم خورد؛

مسی و آرژانتین مغلوب عربستان شدند

تیم ملی فوتبال آرژانتین که یکی از مدعیان اصلی قهرمانی در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر است، دیدار اول خود در این مسابقات را با شکست برابر عربستان پشت سرگذاشت تا شگفتی اول این جام رقم بخورد. رقابت‌های گروه سوم بیست و دومین دوره رقابتهای جام جهانی از ساعت ۱۳:۳۰دقیقه دیروز با دیدار تیم‌های آرژانتین و عربستان در ورزشگاه لوسیل آغاز شد که طی آن سبزپوشان آسیایی ۲ بر یک حریف نامدار خود را شکست دادند. این دیدار در شرایطی آغاز شد که آرژانتینی ها در ۳۶بازی گذشته خود شکستی نداشته‌اند و به عنوان یکی از مدعیان اصلی قهرمانی راهی قطر شده بودند. اتفاقاتی که در نیمه اول رقم خورد حاکی از پیروزی آسان تیم ملی آرژانتین بود. این گمانه زنی با گل زود هنگام لیونل مسی رنگ تحقق به خود گرفت که در دقیقه ۱۰ از روی نقطه پنالتی دروازه عربستان را به راحتی باز کرد. این تیم در نیمه اول سه گل دیگر هم به ثمر رساند که هر سه آنها آفساید اعلام شد تا نیمه اول با برتری یک بر صفر یاران مسی به پایان برسد. اما در نیمه دوم شرایط تغییر کرد و این عربستان بود که دو بار دروازه حریف قدرتمند خود را باز کرد. در همان شروع نیمه دوم صالح الشهری در دقیقه ۴۸ موفق شد دروازه آرژانتین را باز کند تا کار به تساوی کشیده شود اما این پایان کار نبود و در دقیقه ۵۳ سالم الدوساری یک گل زیبا به ثمر رساند تا آب سردی بر پیکر آرژانتین مدعی بریزد. بعد از این دو گل سرمربی آرژانتین تصمیم به ایجاد تغییراتی در ترکیب تیمش قرار گرفت تا گل خورده را جبران کند اما بازی کم نقص عربستانی‌ها این فرصت را از آن گرفت. در ۱۰دقیقه پایانی لیونل مسی و یارانش تلاش زیادی کردند تا دروازه عربستان را باز کنند اما دروازه بان سبزپوشان اجازه این کار را نداد و در چند موقعیت ناجی دروازه‌اش شد تا در نهایت عربستان اولین شگفتی جام را رقم بزند و به سه امتیاز شیرین و فراموش نشدنی دست پیدا کند.

حافظه تاریخی

روح ناآرام؛ از نویسندگی تا روان‌پزشکی

روزی که ساعدی دق کرد

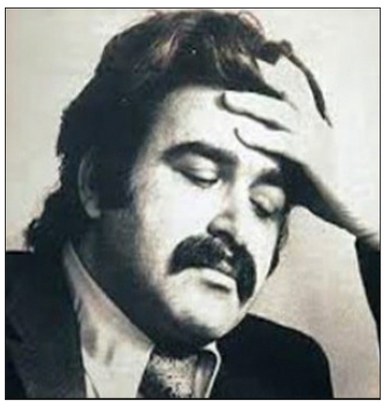

غلامحسین ساعدی از جمله نویسندگان چیره‌دستی به‌شمار می‌رود که با قدرت تخیل و زبان قصه، توانست داستان‌هایی زیبا و ماندگار خلق کند. به نظر بسیاری از کارشناسان، کتاب عزاداران بیل توصیفی روان‌کاوانه و ژرف‌نگرانه جامعه ایران در آن دوران است که شاه‌کار ذهن خلاق ساعدی و در واقع اوج آفرینش‌های ادبی او تلقی می‌شود.پس از انقلاب مشروطیت در ایران، گرایشی پیدا و پنهان در میان پدیدآورندگان آثار ادبی، فرهنگی و هنری پا گرفت که حرکت آغازین دگرگونی‌های اجتماعی،سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شد، نگارش داستان کوتاه، بلند، نمایشنامه، فیلمنامه و قصه کودکان از جمله تخصص‌های او محسوب می‌شد. ساعدی نویسنده‌ای مردمی است که در طول زندگیش به لحاظ پزشکی، نمایشنامه و همچنین دیگر آثارش مدام با مردم در ارتباط بود. تلاش می‌کرد، مردم و دردهایشان را بشناسد و ریشه عقب‌ماندگی آنها را کشف کند. نوشته‌های ساعدی به دلیل آشفتگی‌هایی که در اندیشه، زندگی و مواضع سیاسی و اجتماعی او پدیدار می‌کرد، ناهمخوانی‌های بسیار هویدا داشت اما اسلوب ویژه وی که مبتنی بر ادعای روان‌کاوی آدم‌ها، جانوران و حتی اشیا بود، همچنان ثابت و پایدار ماند. ساعدی، در ۱۳۱۴ خورشیدی در تبریز و در خانواده‌ای متوسط دیده به جهان گشود. او در زندگی‌نامه‌ای که به خواهش یکی از ناشران نوشته‌هایش نوشته است، می‌گوید:«پدرم کارمند ساده دولت بود...هر چند خود اسم و رسم‌دار ساعدالممالک بیرون آمده بود که منشی‌گری گردن کلفت‌های دوره قاجار را می‌کردند... پیش از اینکه به مدرسه بروم، خواندن و نوشتن را از پدر یاد گرفتم و به ناچار انگ شاگرد اولی از همان اولین سال روی من خورد و شدم یک بچه مرتب، مؤدب، ترسو و توسری خور، متنفر از بازی، ورزش، شیطنت و فراری از شادی‌ها و شادابی‌های ایام طفولیت... دوره ابتدایی را تمام نکرده، جنگ شروع شد و ما پناه بردیم به یک ده و پدر بزرگ با قمه و تفنگش به نگهداری خانه و کاشانه نشست. قصه‌ای که تا آخرین لحظه زندگی زیر بالینش بود و تفنگی که بعدها، حتی نعش پوسیده‌اش را کفن کرده زیر خاک دفن کرده بود...» نخستین کتاب ساعدی در ۱۳۳۲ خورشیدی منتشر شد و هم‌زمان در مجله سخن به چاپ داستان‌های کوتاه خود پرداخت و چند سال بعد با چوب‌به‌دست‌های ورزیل و پنج نمایشنامه درباره انقلاب مشروطه نام او در ردیف نمایشنامه‌نویسان مهم ایران قرار گرفت. ساعدی با چوب‌به‌دست‌های ورزیل، بهترین بابای دنیا، تک‌نگاری اهل هوا، پنج نمایش‌نامه از انقلاب مشروطیت، پرواربندان، دیکته و زاویه و آی باکلاه! آی بی‌کلاه و چندین نمایش‌نامه دیگری که نوشت، وارد دنیای تئاتر ایران شد و در نویسندگی نمایشنامه دست به آزمون و خطا زد و سرانجام همراه نمایشنامه‌نویسان جدی‌تری مانند بهرام بیضایی و اکبر رادی و نویسندگان دیگری چون علی نصیریان، رحیم خیاوی، بهمن فرسی، عباس جوانمرد، بیژن مفید، آربی اوانسیان، عباس نعلبندیان و اسماعیل خلج سهمی در دگرگونی تئاتر ایران را در سال‌های ۱۳۴۰–۱۳۵۰ به خود اختصاص داد. همزمان با نویسندگی از دانشگاه تهران، در رشته روان‌پزشکی فارغ‌التحصیل شد. ساعدی در ۱۳۵۴ در گفت‌وگویی که روزنامه کیهان با او انجام داده، چنین گفته بود:«من زیاد نوشته‌ام و پاره‌ای از آنها بی‌راهه بوده است، این امر را صرفا از ناآگاهی سیاسی خود می‌دانم... طبیعی است هر محفلی که با رشد و توسعه اقتصادی ایران و مسایل ملی ایران مخالفت می‌ورزد، صرفا با دیده دشمنی به آنها می‌نگرم. چون آرزوی من و هر فرد ملی و میهن‌پرست این است که کشورمان که اکنون به طور سریع در راه ترقی است، هر روز گام بلندتر و وسیع‌تر در راه پیشرفت بردارد.» ساعدی در دورانی که حال روحی خوبی نداشت به فرانسه رفت. در یکی از نشریات خارج از ایران، از قول ساعدی چنین آمده است:«به پاریس آمده‌ام و الان نزدیک به دو سال است که در اینجا آواره‌ام و هر چند روز را در خانه یکی از دوستانم به سر می‌برم. احساس می‌کنم که از ریشه کنده شده‌ام. هیچ را واقعی نمی‌بینم. تمام ساختمان‌های پاریس را عین دکور تئاتر می‌بینم. خیال می‌کنم که داخل کارت پستال زندگی می‌کنم. از دو چیز می‌ترسم: یکی از خوابیدن و دیگری از بیدار شدن. ساعدی در دوم آذرماه ۱۳۶۴ درگذشت و در گورستان پرلاشز پاریس به خاک سپرده شد.

در یک بچه

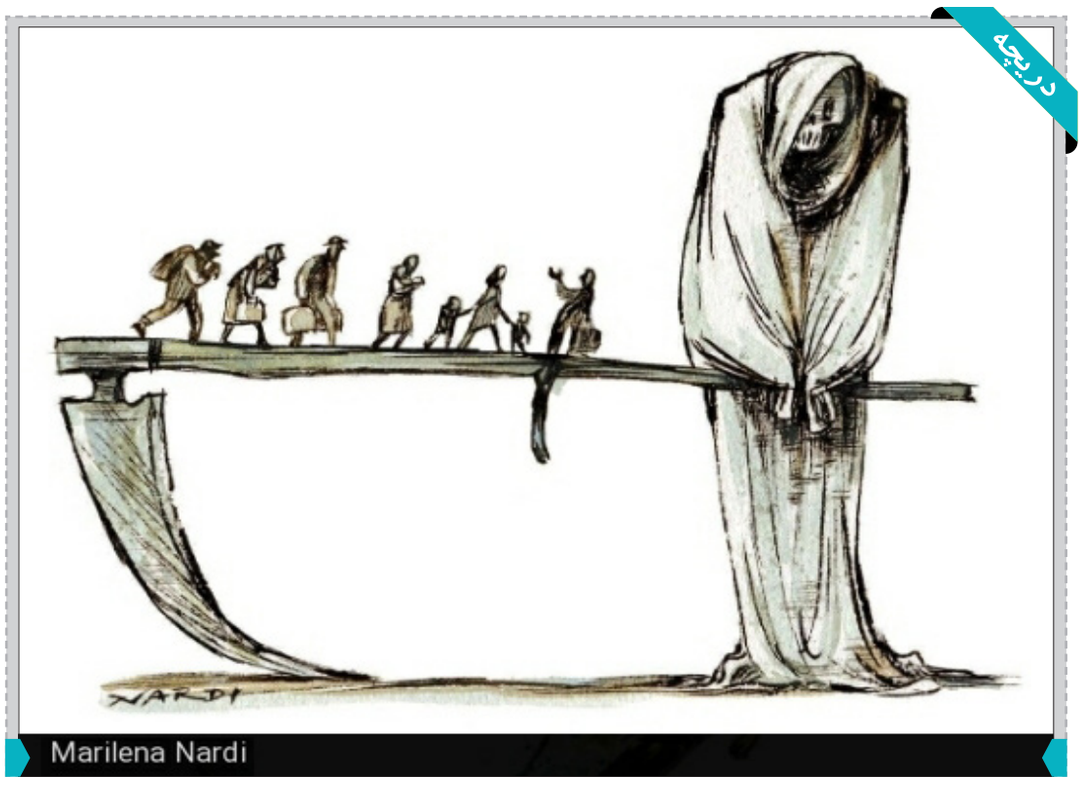

جزئیات سعد

ای مطرب از آن حریف پیغامی ده
وین دلشده را به عشوه آرامی ده
ای ساقی از آن دور وفا جامی ده
ور رشک برد حسود، گو جامی ده

مشق کلمات

کُرم‌بندی: با ملات‌های مختلف نوارهایی به عرض ۳۱ سانتیمتر در یک راستا به فاصله معین ایجاد می‌کنند که با آن کُرم گویند.

خرپا: مجموعه‌ای از میله‌های مستقیم که به طور مفصلی به هم متصل شده و شبکه‌های مثلثی را به وجود می‌آورند.

مجازستان

- امروز یکی به کردی برام آرزوی سلامتی کرد که آن‌قدر به دلم نشست که حد نداشت، گفت «سُقانت آزا» ینی تا مغز استخوانت هم سالم و سلامت باشی، امیدوارم تویی که داری می‌خونی هم سُقانت آزا. (واکی باباشی)
- تو چه می‌دانی آدمی که به یک نقطه خیره مانده و به موسیقی دلخواهش گوش می‌دهد، در آن نقطه‌ی کوچک که به آن خیره شده، چه چیزهایی می‌بیند، چه چیزهایی می‌شنود، و چه چیزهایی احساس می‌کند... (مهشیدتمسکی)
- بنا به اعتقاد مصری‌ها، انسان عادل باید قادر باشد پس از مرگش بگوید «من باعث رنج کسی نشده‌ام.» یادداشت‌ها؛ آلبر کامو. (آن)
- حالا شما نپذیرید، ولی دنبال آدم ایده‌آل گشتن کار بیهوده و عبثیه. همه‌مون درب و داغان و پر از عیب و نقصیم. بسازید با هم دیگه. مرسی. (سولماز)

فناور

اختلال در ماهواره‌هایی که همراه آرتمیس۱به فضا رفتند

برخی از ماهواره‌های «کیوب‌ستی» که در ماموریت آرتمیس۱همراه موشک اس ال اس و کپسول اوریون به فضا پرتاب شدند، اکنون فعال شده‌اند اما برخی از آن‌ها هیچ اطلاعاتی به زمین نفرستاده‌اند.

طی این عملیات ۱۰ماهواره کیوب ست به فضا ارسال شد. البته بیشتر ماهواره‌های مذکور هم‌زمان با مدار زدن کپسول اوریون به دور ماه با زمین ارتباط برقرار کردند اما هنوز چند ماهواره اطلاعاتی نفرستاده‌اند.

آرتمیس۱نخستین بخش از برنامه آرتمیس ناسا است که هدف آن فرود دوباره فضانوردان به ماه است. طی این ماموریت که چهارشنبه هفته گذشته انجام شد، ابرموشک اس ال اس کپسول اوریون را به فضا برد تا سفری ۲۵روزه به ماه را انجام دهد.

در این میان همراه کپسول یک دسته ماهواره کیوب‌ست نیز به فضا برده شد تا عملیات علمی مختلفی در اعماق فضا انجام دهند.

در ۱۸نوامبر(۲روز پس از پرتاب موشک و کپسول) مقامات ناسا اعلام کردند ماهواره‌های «آرگومون»، «بیوسنتینل»، «اکویولئوس»، «لونا اچ-مپ» و «OMOTENASHI» فعال شده‌اند.

هر چند از آن زمان تاکنون «OMOTE-NASHI» با اختلالاتی روبه‌رو و ممکن است برای آخرین بار با زمین ارتباط برقرار کرده باشد. بیشتر ماهواره‌های دیگر از زمان پرتاب تاکنون کنترل شده اند اما برخی از آنها با مشکلاتی روبه‌رو هستند.

ناسا باتری برخی ماهواره‌های کیوب‌ست را در ماه سپتامبر و پس از لغو عملیات آرتمیس۱به دلیل وقوع تندباد شارژ کرد، اما به دلیل مشکلات طراحی یا دسترسی نتوانست با همه آن‌ها ارتباط برقرار کند. ناسا هنوز آپدیت رسمی درباره ماهواره‌های کیوب ستی که باتری آن‌ها شارژ نشده را اعلام نکرده است.

در این میان یک تصویر که ماهواره «آرگومون» ثبت کرده، ماه و زمین را نشان می‌دهد. ماهواره‌های اکویولئوس و لونا اچ مپ نیز هر دو فرایند گذر از کنار ماه را ردیابی کرده‌اند و حساب کاربری آن‌ها در توئیتر آپدیت شده است. همچنین تایید شده ماهواره لونار آیس کیوب نیز سالم است.

از سوی دیگر ماهواره CuSP نیز به طور مرتب با مرکز شبکه اعماق فضای ناسا در ارتباط است. اما بقیه ماهواره با اختلال روبه‌رو هستند و بعد از پرتاب با زمین ارتباط برقرار نکرده اند.مهلت OMOTENASHI برای برقراری ارتباط با زمین برای فرود روی ماه تمام شده و اکنون موقعیت آن مشخص نیست.

شرکت تران اوربیال که ماهواره LunIR را کنترل می کند نیز پس از ارسال آن به فضا در ۱۶نوامبر، هیچ آپدیتی درباره ماهواره منتشر نکرده است. گزارش کاربران توئیتر نشان می‌دهد احتمالا این ماهواره نیز با اختلالاتی پس از پرتاب روبرو است.

پیش‌بینی ناسا از زندگی انسان‌ها در ماه

رئیس برنامه فضاپیمای ماه اوریون ایالات متحده در مصاحبه‌ای با بی‌بی‌سی گفته است که فضانوردان می‌توانند تا اواخر دهه جاری میلادی، برای مدت طولانی روی این جرم آسمانی بمانند: «مطمئناً در این دهه، بسته به مدت زمانی که روی سطح می‌مانیم، می‌توانیم برای مدت زمان بیشتری روی ماه زندگی کنیم. روی ماه زیستگاه‌هایی وجود خواهد داشت و کاوشگرها روی سطح حرکت می‌کنند. ما مردم را به سطح ماه می‌فرستیم و آن‌ها می‌توانند روی سطح زندگی کنند و کارهای علمی انجام دهند.»